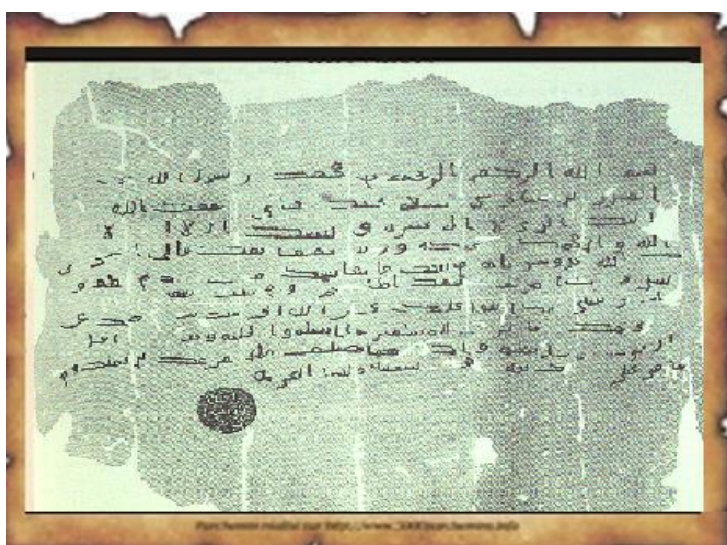


آثار خطی از نامه ها و پیمان نامه های

منتسب به پیامبر اسلام

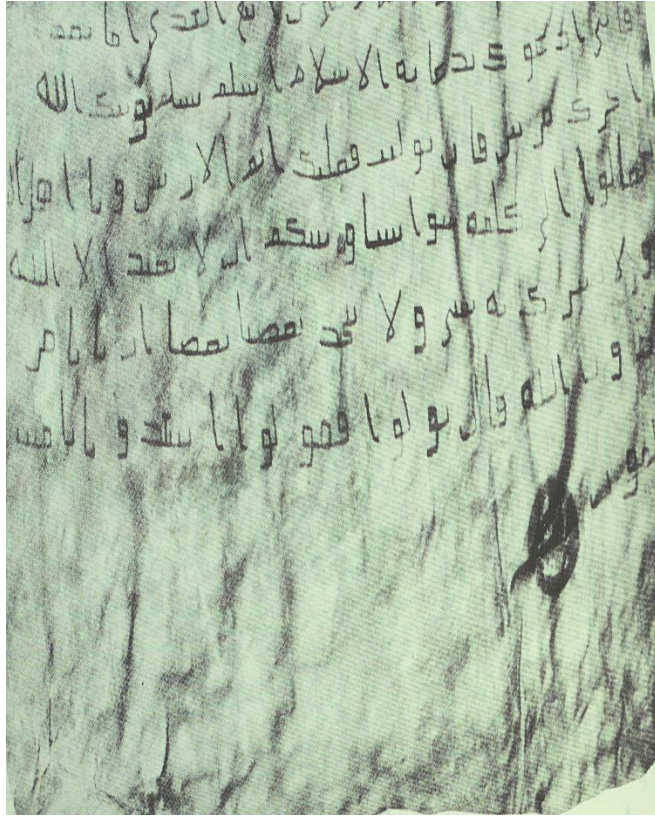
مربوط به خمس و زکات¹

Sujet : « Soumets-toi donc et tu seras sauf »




Message adressé : à Al Mundhir Bin Sawa

¹ Muhammad Hamidullah, *Corpus des traités et lettres diplomatiques de l'Islam à l'époque du prophète et des khalifes orthodoxes*, Publication, G.- P. Maisonneuve, Paris, 1935, pp. 31-33., voir aussi Lecker Michael, *Jews and Arabs in Pre- and Early Islamic Arabia, the preservation of Muhammad's Letters from Ibn Sa'd (230/845)*, Variorum Collected Studies, Routledge, 1998.



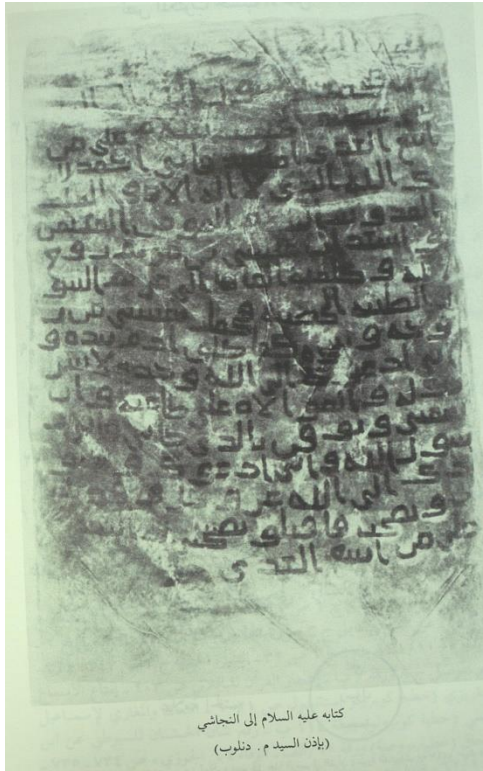
Message adressé : à Heraclius

بسم الله الرحمن الرحيم
 من محمد رسول الله
 الذي كسر و عبد ابي الحارث
 و سلاه علي من انتع ان عدي
 اعانه و ابي اذ عو كعاد
 عانه الا سلاه اسلمه مستظاه
 بي رسول الله الذي اناس
 كافة لا تد ر من كان كفا
 و كفي رسول علي الكا بي
 فابكمو ان اقر ر شامالا
 سلاه و لسكبا و ان اسما
 وان ملكهما و ان اسما
 كل سبا ككهما و سطر سوا
 سطر ملكهما و سطر سوا

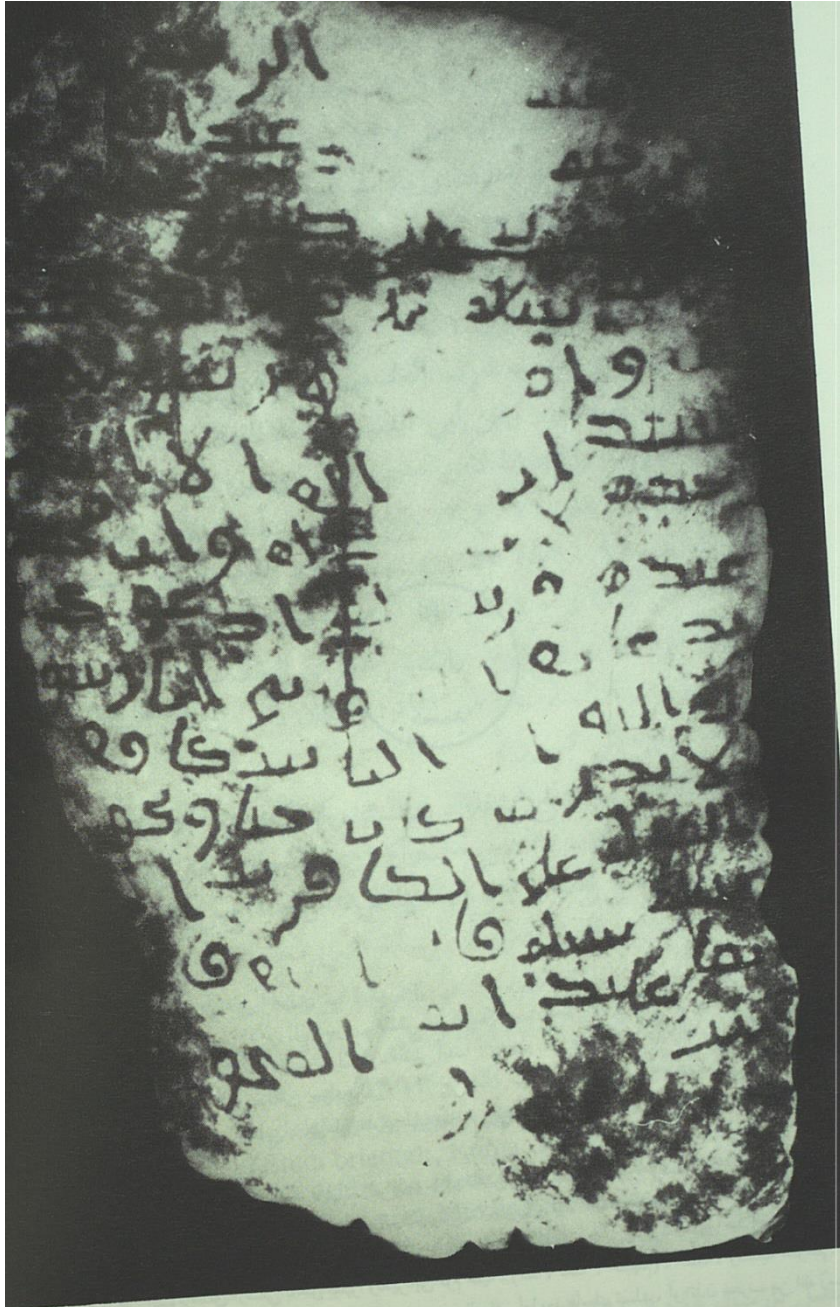


رسم كتاب النبي ﷺ إلى
 جيفر وعبد ملكي عمان كما صدر في جريدة مجهولة الاسم

Message adressé : à Jifar et Abd Malkî



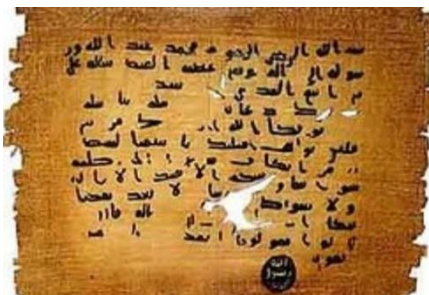
Message adressé : à an-najāšī



كتابه صلى الله عليه وسلم إلى كسرى أبرويز عظيم فارس

Message adressé : à Kasrâ

خمس و زکات در نامه ها و پیمان نامه های پیامبر



نامه پیامبر اسلام به مقوقس بزرگ مصر^۲

موضوع نامه هایی که پیامبر به پادشاهان، سران کشورها، رهبران ملل و به ویژه به حاکمان مناطق مختلفی که پیام اسلام به آنها رسیده بود در موضوع خمس ارسال نموده است، صفحه ای مهم از صفحات سیره نبوی و تاریخ اسلامی را رقم می زند. نامه ها و آثار به جای مانده از ارسال این پیام ها مطلب بسیار مهم و تاریخی است که ما را به تأملی دقیق در مطالعه و وثاقت آن ها و میدارد.

در بررسی مطالعات برخی از مستشرقان، دیده می شود بعضی از این مستشرقان صحت گزارش این نامه ها را از اساس زیر سؤال برده اند، تعدادی از این محققان، درستی پاره ای از این نامه ها را با مسامحه پذیرفته و برخی را انکار می کنند. مونتگمری وات می نویسد: «روش انتقادی کنونی نشان می دهد که اعزام پیک ها به سوی حکمرانان، قابل اعتماد نیست، احتمال دارد علت اصلی علاقه مفرط مسلمانان به این نکته آن بوده باشد که محمد دین خود را دین جهانی می دانست و شاید برای منطقی جلوه دادن جنگ های خود علیه ایران و ییزانس بوده است، چه این جنگ ها پس از دعوت آنها به اسلام صورت گرفته است.»^۳

در مجموع پژوهش هایی که مربوط به این نامه ها در منابع اسلامی موجود است، از مسلم در باب جهاد روایت شده که پیامبر به کسری، قیصر، نجاشی و تمامی پادشاهان نامه نوشت و آنها را به خدای بزرگ فرا خواند.^۴ ابن هشام در سیره، این خبر را بسط داده و می گوید: خبردار شدم که پیامبر روزی پس از بازگشت از حدیبیه برای مردم خطبه خواند و گفت:

۲ - متن نامه: «از محمد فرزند عبد الله به مقوقس، بزرگ قبطیان. درود بر پیروان هدایت. من تو را به آیین اسلام دعوت می کنم. اسلام بیاور تا در امان باشی، اسلام بیاور تا خداوند دو پادشاه به تو دهد، و اگر نپذیری و اسلام نیاوری گناه قبطیان نیز به عهده تو است. ای اهل کتاب، بیایید به یک اصل مشترک میان خودمان عمل کنیم و آن این است که غیر خدا را نپرستیم و کسی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را به خدایی نپذیرد. اگر آنان از آیین حق روی گردانند بگویید گواه باشید که ما پیرو آیین اسلامیم.» (بر گرفته از دانشنامه آزاد)

۳ - وات مونتگمری، محمد پیامبر، سیاستمدار، ص ۲۴۴

۴ - صحیح مسلم، باب الجهاد، ج ۳، ص ۳۹۱

مردم، خداوند مرا از روی رحمت و برای تمامی مردم مبعوث کرده است. پس مانند اختلاف حواریون بر عیسی بن مریم درباره من اختلاف نکنید.

به گفته یعقوبی تعداد نامه ها دوازده نامه و به تحقیق بعضی از معاصرین تعداد کل این نامه ها بین ۴۷ تا ۱۸۵ عدد بوده است که از اواخر سال ششم تا سال دوازدهم هجری، سال وفات پیامبر (۲۰/۶۸۰) تدریجاً نگارش و فرستاده شده اند.^۵ به تصریح نویسنده الطبقات الكبرى، شش نامه به پادشاهان بزرگ در تاریخ ذی حجه سال ششم یا محرّم سال هفتم فرستاده شده و در یک روز از محرّم سال هفتم، شش سفیر با شش نامه از مدینه رهسپار شده اند، این نامه ها عبارت بودند از نامه‌های: نجاشی، قیصر روم، خسرو ایران، شاه اسکندریه، حارث بن ابي شمر و هوذّه بن علی.^۶

در صحیح بخاری و مسلم و سنن نسائی و مسند احمد، احادیث مربوط به نامه ها و پیمان نامه های پیامبر مفصل آمده است، یکی از مهم ترین تحقیقاتی که در موضوع نامه‌های پیامبر انتشار یافته تحقیقی است که محمد حمیدالله در سال ۱۹۵۵ انجام داده و در مجله Arabica منتشر شده است. محققینی چند از جمله علی احمدی میانجی^۷ سید مرتضی عسگری^۸ نیز درباره مدارک تشریحی اسلام در چندین جلد به این نامه ها پرداخته اند. به طور کلی، شاید بتوان گفت از میان این ۱۸۵ نامه، قرار داد، عهد یا میثاق، پیام ها و خطابه های پیامبر، تعداد ۶۸ نامه از آن ها برای پادشاهان، رهبران مذهبی، رؤسای قبایل و خطاب به اهالی برخی از کشورها و مناطق و حوزه های تحت نفوذ اسلام بوده است.^۹

ذیلاً خلاصه ای از این نامه ها که مربوط به موضوع مطالعه ما و مربوط به خمس و زکات یا وجوهات اسلامی می شوند می آوریم:

- نمایندگان قبیله عبدالقیس^{۱۰} در سال نهم هجری به نزد پیامبر رفتند و از ایشان سؤال کردند: بین ما و شما، مشرکان مصر فاصله انداخته اند و ما بجز ماههای حرام به شما دسترسی نداریم. توصیه هایی به ما بده که اگر آنها را به کار بریم، ما را به بهشت رهنمون کند و اهل قبیله خود را به انجام آنها دعوت کنیم.

نامه پیغمبر به قبیله عبدالقیس:^{۱۱}

-
- ۵ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۸، چاپ بیروت، ۱۳۷۹
 - ۶ - ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۶۲، چاپ بیروت
 - ۷ - علی احمد میانجی، مکاتیب الرسول، انتشارات مکتبه الصدوق، بیروت (تحلیلی بر بیک ها و پیام های پیامبر)، ص ۱۵۶
 - ۸ - سید مرتضی عسگری، دیدگاه دو مکتب در اسلام درباره مدارک تشریحی اسلامی جلد دوم، مترجم ع.م. سردارنیا
 - ۹ - حمیدالله، الوثائق، ص ۸۰ و مکاتیب الرسول، ص ۱۲۱
 - ۱۰ - عبدالقیس قبیله ای است از ربیع که موطن آنها تهامه بوده، سپس به بحرین نقل مکان کرده اند.
 - ۱۱ - صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۵، باب الامر بالایمان و ج ۴، ص ۲۰۵، باب والله خلقکم و ما تعلمون - سنن نسائی، ج ۲، ص ۳۳۳ - مسند احمد، ج ۳، ص ۳۱۸ و ج ۵، ص ۱۳۶

شما را به انجام چهار چیز امر، و از ارتکاب چهار چیز نهی می‌کنم. فرمان می‌دهم به ایمان به خدا، و هیچ می‌دانید که ایمان به خدا چیست؟ شهادت به یکتایی خداست و خواندن نماز و دادن زکات و پرداخت خمس از دستاوردهای تان.

- بلاذری در کتاب فتوح البلدان در مورد نامه پیغمبر به یمن می‌نویسد: چون خبر ظهور پیامبر خدا و علو حق او به مردم یمن رسید، نمایندگان از ایشان به خدمت حضرتش رسیدند. پس آن حضرت نامه ای برای آنها نوشت، و در آن ملکیت اموال و اراضی و گنجینه های آنها را تا هنگام اسلام آوردنشان تثبیت فرمود. آنها نیز فرمان برده، اسلام آوردند. پس آن حضرت فرستادگان و کارگزاران خویش را به سوی ایشان گسیل داشت تا آنها را به شرایع و مقررات اسلام و سنتهای ایشان آشنا کرده، صدقات را بگیرند و نیز جزیه سرانه کسانی را که بر آیین یهودیت و نصرانیت و مجوسیت خود باقی مانده اند دریافت نمایند. رسول خدا به عمرو بن حزم، هنگام فرستادنش به یمن شرح زیر را می‌نویسد:^{۱۲}

بسم الله الرحمن الرحيم. این دستورالعملی است از محمد فرستاده خدا، برای عمرو بن حزم به هنگامی که وی را به یمن مأموریت داد. او را فرمان می‌دهد که در همه کارهایش خدای را در نظر گرفته تقوا پیشه کند. از دستاوردها خمس خدا را بگیرد، و صدقاتی را که خداوند بر مؤمنان واجب فرموده است دریافت نماید. به این ترتیب که از محصول زمینهای زراعتی که آب بر آن سوار نشده، ریشه گیاه آن از رطوبت زمین و یا آب باران سیراب می‌شود یک عشر، و از زمینهایی که با مشک و دلوهای بزرگ آبیاری می‌گردند نیم عشر زکات بگیرد

نامه پیغمبر به فجیح بن عبدالله البکائی^{۱۳}

- همچنین پیامبر نامه ای به «سعد بن هذیم» از قبیله «قضاعه» و «جدام» نوشت و در آن نامه احکام صدقه واجبه را تعلیم و دستور داد آن قبیله بدهی خود را بابت زکات و خمس به نماینده اعزامی او بپردازند. در این نامه موارد وجوب پرداخت صدقه را به ایشان آموزش داده و مقرر داشته که صدقه و خمس را به وسیله دو تن از فرستادگان به نامهای ابی و عنبسه به پیامبر ارسال دارند. این نامه، نامه ای است که پیامبر به مالک بن احمر مالک بن احمر از طایفه ی جدام بن عدی از کهلان که مسکن آنها بین مدینه و تبوک بوده فرستاد زیرا مالک اسلام آورد و از پیامبر تقاضا نموده بود که نامه ای بنویسد و مردمش را به اسلام دعوت کند که پیغمبر آن را بر پوستی که طولش یک وجب و عرض آن چهار انگشت بوده است نوشت.^{۱۴} از جدامی و دیگر مسلمانان پیرو او خواست که نماز را بر پا دارند و خمس دستاوردهایشان را بپردازند و به آنان امان داده شود.

۱۲ - فتوح البلدان بلاذری، ج ۱، ص ۸۲، باب الیمن - سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۶۵-۲۲۶ - تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۷۲۷-۱۷۲۹ - تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۷۶ - کتاب الخراج ابو یوسف، ص ۸۵ - المستدرک، ج ۱، ص ۳۹۵ - ۳۹۶ و متقی، کنز العمال، ج ۵، ص ۵۱۷

۱۳ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۰۴ - ۳۰۵ - اسد الغابه، ج ۴، ص ۱۷۵ و اصابه، ج ۴، ص ۱۷

۱۴ - اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۷۱ - اصابه، ج ۳، شماره ۷۵۹۳ و لسان المیزان ج ۳، ص ۲۰

- نامه ای که رسول خدا برای فجع بن عبدالله البکائی و پیروانش فرستاده به این شرح آمده است: ۱۵

از محمد پیامبر خدا به فجع وکسی که از او پیروی نموده و اسلام آورده و نماز بپا داشته و زکات و خمس مال خود را بپردازد و فرمانبردار خدا و پیامبرش باشند و از دستاوردهای خود، خمس خدا را بپردازند، و پیامبر و یارانش را یاری دهند و اسلامشان را آشکار سازند و از مشرکان بپزند، در پناه خدا و پناه محمد خواهند بود.

نامه ای که پیامبر به اسبذیه‌های اسپهبدان عمان نوشت به این شرح است: ۱۶

از محمد پیامبر خدا به بندهگان خدا، اسبذیه‌ها پادشاهان عمان، آنها که در بحرین می‌باشند، که اگر ایمان آورده نماز بگذارند و زکات بدهند و خدا و پیامبرش را فرمانبردار باشند و حق پیامبر را بپردازند و چون مسلمانان عبادت کنند، در امان خدا بوده از آنچه که دارند برخوردار می‌باشند و به خودشان تعلق خواهد داشت، مگر اموال آتشگاه که به خدا و پیامبرش متعلق است. و اینکه محصول خرما را یک عشر و حیوانات را نیم عشر زکات واجب است. و مسلمانان موظفند که آنان را یاری دهند و راهنماییشان نمایند. آسیابهایی که دارند از آن خودشان خواهد بود تا هر چه را که بخواهند در آنها آرد نمایند.

- به نظر می‌رسد مقصود از حق پیامبر در نامه برای کسانی که از منطقه حدس و تخم اسلام آورده اند، خمس باشد.

رسول خدا در آن نامه می‌فرماید: ۱۷

و نماز را بجای آورند و زکات مالشان را بپردازند و قسمت خدا و پیامبر را پرداخت کنند و از مشرکان دوری گزینند، در امان و حفاظت خدا و محمد خواهند بود. و هر کس که از دینش روی بتابد، امان و حفاظت خدا و پیامبرش نیز از او برداشته می‌شود.

- همچنین در نامه ای که پیامبر به جناده ازدی، طایفه او و کسانی که از او پیروی کرده اند چنین نوشته است: ۱۸

مادام که نماز را برپا داشته، زکات مالشان را بپردازند و فرمانبردار خدا و پیامبرش باشند و از دستاوردهای خود خمس خدا و سهم پیامبر را پرداخت نمایند و از مشرکان دوری گزینند، در امان خدا و محمد بن عبدالله خواهند بود.

- و در نامه ای که به بنی معاویه بن جرویل از قبیله طی، نوشته آمده است: ۱۹

آن کس از ایشان که اسلام آورده نماز بگذارد و زکات بپردازد، و خدا و پیامبرش را فرمانبردار باشد و از دستاوردهای خود خمس خدا و سهم پیامبر را پرداخت کند و از مشرکان دوری گزیند و اسلام خود را آشکار سازد، امان خدا و پیامبرش، مادام که مطیع باشد، شامل حال او خواهد بود.

۱۵ - فجع بن عبد الله البکائی، الاصابه، ج ۱، ص ۱۶۰

۱۶ - محمد حمیدالله، مجموعه الوثائق السياسية، ص ۵۲ و قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۶، ص ۳۸۰

۱۷ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۶

۱۸ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۰، باب ذکر بعثه رسول - اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۰۰ و کتزالعمال، ج ۵، ص ۳۲۰

۱۹ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۹

- در نامه ای به جهینه بن زید^{۲۰} پیامبر آن را به همراه عمرو بن مره جهنی، که کنیه اش ابو مریم بوده، فرستاده است و مردم آنجا را به اسلام دعوت کرده که همگی مسلمان شدند و به نزد پیامبر آمدند. در نوشته، چنین آمده است:^{۲۱}

پهنه زمین و بیابانهای آن و مسیلهای و مراتع آن، از آن شماست تا در برابر پرداخت خمس، از آنها و مراتع آنها بهره مند شوید و از آنها بیاشامید و در تبعه و صریحه اگر به یک جا فراهم آیند دو گوسفند، و چنانچه بینشان جدایی افتد هر کدام یک گوسفند زکات پردازید. و بر اهل مثیر صدقه ای نیست.

- ابن اثیر در نهایة اللغه می نویسد: تبعه به کمترین حدی گویند که در آن زکات واجب می شود. و صریحه گله گوسفند و شتر می باشد. و منظور از صریحه در این حدیث تعداد صدو بیست و یک رأس گوسفند تا دویست رأس می باشد که اگر یکجا فراهم آمدند، دو گوسفند، و هر گاه آن دو از هم جدا باشند، هر کدام یک گوسفند باید زکات بدهند. و اهل مثیر عبارت است از دارندگان گاو شخم زن که به کار شخم زنی می پردازند، و بر آن زکاتی نیست. در برخی از نامه های پیامبر پس از ذکر سهم پیغمبر، از (صفی) خالصه آن حضرت نیز نام برده شده است. مانند آنچه در نامه آن حضرت به پادشاهان حمیر آمده است:^{۲۲}

اما بعد، خدا یقین به هدایت ویژه خویش راهنمای یقین فرموده است هر گاه به صلاح آمده، خدا و پیامبرش را فرمانبردار باشید و نماز را برپا داشته، زکات مالقات را پردازید و از دستاوردهای خود، خمس خدا و سهم پیامبر و خالصه او را، و نیز آنچه را که خداوند از صدقه بر مؤمنان واجب فرموده است، پرداخت کنید.

- و یا آنچه در نامه آن حضرت به بنی ثعلبه بن عامر آمده است که می نویسد:^{۲۳}
- هر کس که از ایشان اسلام آورده، نماز برپای دارد و زکات مالش را پرداخته و از دستاوردهایش خمس و سهم پیغمبر و خالصه او را پردازد، در امان خدا در آمده است.*
- یا در نامه ای که به بنی زهیر العکلیین^{۲۴} که قبیله ای از عکلی بن عوف بن ادبن است، پیامبر به ایشان نامه نوشته و ابن حزم در جمهره، ص ۴۸۰ آن را چنین آورده:^{۲۵}

۲۰ - جهینه بن زید، جمهره، ص ۴۴۴-۴۴۶

۲۱ - محمد حمیدالله، مجموعه الوثائق السياسية ص ۱۴۲

۲۲ - فتوح البلدان، ج ۱، ص ۸۵ - سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۸ - مستدرک، ج ۱، ص ۳۹۵ - تهذیب تاریخ ابن عساکر، ج ۶، ص ۲۷۳

۲۳ - صفی بن عامر، أصابه، ج ۲، ص ۱۸۹ و استیعاب در أصابه ج ۲، ص ۱۸۶

۲۴ - زهیر بن اقیس، تاج العروس، ج ۴، ص ۲۸۰

۲۵ - سنن ابو داود، ج ۲، ص ۵۵، باب ما جاء فی سهم الصفی از کتاب الخراج - دار احیاء السنه النبویه، ج ۳، ص ۱۵۳ و ۱۵۴ - سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۷۹ - ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۹ - مسند احمد، ج ۵، ص ۷۷ و ۳۶۳ - اسدالغابه، ج ۵، ص ۴ و ۳۸۹ و ابوعبید، اعطیتم من الغنائم الخمس.

شما اگر گواهی به یکتایی خداوند و رسالت و پیامبری محمد (ص) داده، نماز را برپا داشته، زکات مالتان را پرداخته و از دستاوردهای خود خمس و سهم پیغمبر و خالصه او را بپردازید، در امان خدا و رسول او در آمده اید.

- یا در نامه ای که برای برخی از سران جهینه فرستاده است آمده است:^{۲۶}

هر کس از ایشان اسلام آورد و نماز را برپای بدارد و زکات بپردازد و خدا و پیامبرش را فرمانبردار باشد و از دستاوردهایش خمس و سهم پیغمبر و خالصه او را پرداخت کند.

- نامه پیغمبر به مردم عمان:^{۲۷}

سلام بر شما؛ اما بعد شهادتین بگویند یعنی اقرار کنید که جز الله خدایی نیست و اینکه من فرستاده الله هستم. زکات (یک دهم از تولید) را بدهید و مساجد را آن گونه که من می گویم طراحی کنید و الا به شما حمله خواهم کرد.

- نامه پیغمبر به فروة بن عمرو الجذامی:^{۲۸}

از محمد فرستاده خدا به فروة بن عمرو. اما بعد فرستاده تو پیش ما آمد و پیغام تو را رساند و از گذشته شما ما را مطلع کرد و به ما گفت که تو اسلام آورده ای و خداوند تو را به راه راست خودش هدایت کرده اگر کار نیک بکنی و از خدا و پیامبرش پیروی کنی و نماز بخوانی و زکات بدهی.

فروة بن عمر النافرة الجذامی رئیس قبیلة بنی النافرة ساکن اطراف شهر ایله در حجاز و معان و اطراف آن در سرزمین شام بود (معجم القبائل - فرهنگنامه قبایل - صفحات ۱۱۶۸ و ۱۱۸۹).

- نامه پیغمبر به اسبخت بن عبد الله:^{۲۹}

الاقرع نامه تو و شفاعت برای مردم را برای من آورد و من برای تو شفاعت کردم و فرستاده ات الاقرع را در رابطه با مردم راستگو دانستم (به او اعتماد کردم). مزه باد بر تو که آنچه را دوست داری و از من خواسته ای برآورده کردم ولی من به او (به فرستاده ات الاقرع) گفتم که خوب است خودت با من دیدار کنی که اگر پیش ما بیایی تو را گرامی می داریم و اگر هم نیایی باز هم گرامیت می داریم. همچنین من از کسی هدیه نمی خواهم ولی اگر هدیه به من بدهی هدیه ات را می پذیریم. محلت را عاملان من ستوده اند. من تو را به بهترین حالت نماز و زکات و نزدیکی به مؤمنان توصیه می کنم. من قبیلة تو را بنی عبد الله نام نهاده ام پس آنها را به نماز امر کن و به بهترین کار و آنها را امیدوار کن. سلام بر تو و بر مردم مؤمن.

- نامه پیغمبر به یحَن بن رُوْبَة و اهالی کوه پایه های شهر ایله:^{۳۰}

۲۶ - ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۱

۲۷ - أَسَدُ الْغَابَةِ، ج ۵، ص ۲۲۵ و صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۱۱

۲۸ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۱ و بحار الانوار به نقل از صبح الاعشی، ج ۶، ص ۳۶۸

۲۹ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۵ - البلاذری، فتوح البلدان، ص ۸۹

۳۰ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۷ - ابن عساکر، ج ۴، ص ۱۱ و مجموعة الوثائق، ص ۵۳

سلام بر شما. من رو به شما الله را که خدایی جز او نیست ستایش می‌کنم. من نمی‌خواستم و نمی‌خواهم قبل از اینکه به شما نامه بنویسم با شما وارد جنگ بشوم. بنابراین یا مسلمان بشو و یا جزیه بده و از الله و فرستاده او و فرستادگان پیامبر او پیروی کن و فرستادگان پیامبر خدا را گرامی بدار و به آنها لباس خوب بپوشان که لباس جنگجویان نباشد مخصوصاً به زید لباس خوب بپوشان. تو هرچقدر فرستادگان مرا راضی کنی من هم راضی می‌شوم؛ مقدار جزیه هم که معلوم است. اگر می‌خواهید که زمین و دریا بر شما امن شود از خدا و پیامبرش اطاعت کنید تا شما از پرداخت آن حقی که عرب و عجم باید بپردازند معاف شوید البته به جز حق خدا و پیامبرش.

ایله شهری در ساحل دریای مدیترانه و شهری کوچک با کشاورزی اندک شهری یهودیها می‌باشد. و منظور پیغمبر از زید به نظر میرسد زید بن مهلهل الطائی معروف به زید الخیل باشد که پیغمبر به او زید الخیر لقب داد. در اسد الغابه جلد ۲ صفحه ۲۴۱ آمده که او در سال نهم هجرت مسلمان شد.

- نامه پیغمبر به اسقف نجران:^{۳۱}

به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب؛ از محمد پیامبر و فرستاده خدا به اسقف نجران، سلام بر شما، من رو به شما خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب را ستایش می‌کنم و نیز من شما را از بندگی بندگان به بندگی خدا فرامی‌خوانم و من شما را از ولایت بندگان به ولایت خداوند (از قبول سرپرستی بندگان به قبول سرپرستی خداوند) دعوت می‌کنم. اگر سرتابید باید جزیه بپردازید اگر از دادن جزیه خودداری کردید با شما وارد جنگ می‌شوم. والسلام.

همچنین ابن سعد در الطبقات الکبری جلد ۱ صفحه ۳۵۷ و ابن حجر در الاصابه جلد ۲ در شرح حال سید و جلد یک در شرح حال الحارث و بشیر بن معاویه و سید ابن طاوس در الاقبال فی باب ششم صفحه ۴۹۴ آورده اند.

- نامه پیغمبر به پادشاهان حمیر:^{۳۲}

از محمد پیامبر و فرستاده خدا به الحارث بن عبد کلال و نعیم بن عبد کلال والنعمان قیل ذی رعین و همدان و معاف، اما بعد، من رو به شما الله را که خدایی جز او نیست ستایش می‌کنم. فرستاده شما به نام مقلنا از سرزمین روم پیش ما آمد و ما با او در مدینه دیدار کردیم. او پیام شما را به ما رساند و از گذشته شما ما را مطلع کرد و به ما خبر داد که شما اسلام آورده اید و مشرکان را کشته اید و خداوند شما را به راه راست هدایت کرده است اگر کار نیک بکنید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و نماز بخوانید و زکات بدهید و از غنائم جنگی یک پنجم (خمس) را به عنوان سهم خدا و سهم پیامبر و نماینده اش بدهید.

پادشاهان حمیر در یمن قبلاً یهودی بودند که مسلمان شدند.

۳۱ - البدایه والنهایه، ج ۵، ص ۵۳ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۵ و مجموعه الوثائق، ص ۱۱۰

۳۲ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۸۱ - البدایه والنهایه، ج ۵، ص ۷۵ - فتوح البلدان بلاذری، ص ۸۲ - السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۲۵۸ و سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۸ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۵۶ - کتاب الاموال، ص ۱۳-۲۷ و اسد الغابه ج ۲، ص ۱۴۶

- نامه پیغمبر به منذر بن ساوی: ۳۳

از محمد فرستاده خدا به منذر بن ساوی. درود بر تو. من رو به تو خدا را سپاس می گویم الله خدایی که خدایی جز او نیست و گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و اینکه محمد بنده او و فرستاده او است، اما بعد من الله با قدرت و عظمت را به یاد تو می آورم. هر کس نصیحت می کند در حقیقت خودش را نصیحت می کند. هر کس از فرستاده های من اطاعت کند و از دستور آنان پیروی کند در حقیقت از من پیروی کرده است و کسی که برای آنها نصیحت کند در حقیقت مرا نصیحت کرده است. فرستادگان من از تو تعریف خوبی کرده اند و من تو را در میان مردم شفاعت کرده ام پس برای مسلمانان آنچه را که بر آن اسلام آورده اند واگذار کن من گناهکاران را بخشیده ام لذا از آنان عذرشان را قبول کن و تو هر چه بیشتر کار نیک کنی تو را از نتیجه کارت بی بهره نمی کنیم و هر کس بر یهودی بودن یا زرتشتی بودن خود پابرجا بماند باید جزیه بدهد.

- نامه پیغمبر به زرعة بن ذی یزن: ۳۴

نامه از محمد پیغمبر به زرعة بن ذی یزن. وقتی فرستادگان من پیش شما آمدند من بوسیله آنان شما را به خیر و خوبی فرمان می دهم. فرستادگان من عبارتند از: معاذ بن جبل و عبد الله بن رواحه و مالک بن عبادة و عتبة بن نيار و مالک بن مرارة و یاران نشان. پس هر چه از صدقه و جزیه بپشتان دارید همه را جمع آوری کنید و آنها را به فرستادگان من برسانید. فرمانده فرستادگان من معاذ بن جبل است. آنها نباید بدون رضایت از پیش شما برگردند.

اما بعد؛ محمد گواهی می دهد که خدایی جز الله نیست و اینکه محمد بنده و فرستاده او می باشد؛ مالک بن مرارة الرهاوی به من گفت که تو اولین نفر از قبیله حمیر هستی که مسلمان شدی و از مشرکان دور و جدا شدی. پس تو را به خیر و خوبی مژده باد. من شما قبیله حمیر را به خیر و خیر دستور می دهم؛ پس خیانت نکنید و با هم دشمنی نکنید؛ فرستاده خدا سرپرست غنی و فقیر شما می باشد؛ صدقه برای محمد و خانواده اش حلال نیست؛ بلکه آن زکاتی است که به فقراي مؤمن (مسلمانان فقیر) می دهید و مالک خیر را به شما رسانده و راز را نگاه داشته است.

من به نزد شما از میان افراد نیک خانواده ام و دیندارترین آنها را فرستاده ام پس شما را به خیر و خوبی نسبت به او فرمان می دهم و هر رفتار شما با او زیر نظر قرار دارد و درود.

- نامه پیغمبر به قیس بن مالک الازحبی: ۳۵

سلام بر تو؛ اما بعد من تو را بر مردم فرماندار قرار دادیم اعم از عرب و حمور و موالی آنها (اعم از اینکه عرب باشند یا از قوم حمور و یا غلامان غیر عرب آزاد شده) و من مقرر داشتم بر تو که دو صاع (هر صاع - هشت من. دو صاع یعنی برابر با ۱۶ من یعنی ۴۸ کیلو) از ذرت منطقه نسا بدهی و نیز دو صاع (۴۸ کیلو) از کشمش منطقه حیوان. این دستور برای تو و برای نسل بعد از تو تا همیشه جاری خواهد بود.

۳۳ - سیره حلبی، ج ۳، ص ۷۴ و ص ۲۸۳ و اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۹

۳۴ - الأموال، ص ۲۰۲ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۸۲ - فتوح البلدان بلاذری، ص ۸۱ - السیره الحلبیة، ج ۳، ص ۲۵۸ - البدایة والنهایة، ج ۵، ص ۷۵

- جمهره الرسائل، ج ۱، ص ۵۵ - سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۵۹ - ۲۶۰ و سیره زینی دحلان، حاشیة الحلبیة، ج ۳، ص ۳۰

۳۵ - أسد الغابة، ج ۴، ص ۲۲۴ و ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۴۰

- نامه پیغمبر به معاذ بن جبل: ۳۶

اگر یهودی از دین خود برنگردد و بر یهودیت خود برجا بماند باید از مزارعی که با آب باران یا رودخانه و جویبار آبیاری می شوند یک دهم پرداخت کند و از مزارعی که با سطل یا هر وسیله دستی آبیاری می شوند نصف یک دهم باید پرداخت کند. هر فرد بالغ باید یک دینار یا معادل آن بپردازد.

در نسخه ای دیگر از این نامه علاوه بر موارد فوق چنین آمده است: هر کس بر آیین یهودی یا مسیحی که دارد برجا بماند هر فرد بالغ یهودی یا مسیحی اعم از زن و مرد یا آزاد و برده باید یک دینار یا معادل آن بپردازد و از هر سی گاو یک گوساله نر یا ماده و از هر چهل گاو یک گاو ماده سالخورده و از هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله که وارد سومین سال شده باشد باید به مسلمانان بدهد.

- نامه پیغمبر به العلاء بن الحضرمی: ۳۷

من به منذر بن ساوی کسی را فرستادم که از او تمام جزیه های را که پیش او جمع شده بگیرد. پس تو هم زود جزیه ها را بده و همراه همانها یعنی همراه جزیه های منذر بن ساوی تمام صدقه ها و یک دهمها (زکاتها) را که پیش تو جمع شده بفرست بیاد.

۳۶ - فتوح البلدان البلاذری، ص ۷۸ - جمهرة رسائل العرب، ج ۱، ص ۶۵ و خراج ابی یوسف، ص ۵۴

۳۷ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۶ - جمهرة الرسائل، ص ۸۷ - کایتانی، ج ۸، ص ۱۸۵ و اشپرنکر، ج ۲، ص ۳۷۶